

تربیت بدنی و علوم ورزشی

مولفان:

دکتر یدالله آزادی

امیر محمد آزادی

فاطمه آزادی (دانشگاه فرهنگیان)

بهاره قائمی (کارشناس ارشد مدیریت ورزشی دانشگاه تهران، دانشگاه فرهنگیان)

فهرست

۵	فصل اول: اخلاق در ورزش
۲۶	فصل دوم: حرکات اصلاحی
۶۰	فصل سوم: حقوق ورزشی
۶۸	فصل چهارم: روان شناسی ورزش
۸۹	فصل پنجم: مدیریت ورزشی
۱۰۰	فصل ششم: تاریخچه و مقررات رشته های ورزشی

منت خدای را عزوجل که طاعتش موجب قربت است و شکر اندرش مزید نعمت، هر نفسی که فرو می‌رود ممد حیات است و چون برآید مفرح ذات، پس در هر نفس نعمتی موجود است و بر هر نعمت شکر واجب. بدون تردید تربیت بدنی و ورزش از عوامل فرهنگی قوی و ابزاری تاثیر گذار در خدمت به تعالی بشر است. ورزش، عاملی سازنده برای سعادت و پیشرفت جامعه است؛ و جامعه ای می‌تواند درست فکر کند که افراد آن سالم، تندرست و شاداب باشند (عقل سالم را باید در بدن سالم جستجو نمود و بدن سالم نیز وابسته به محیط سالم است) و این همه، بستگی کامل به گسترش فرهنگ ورزش دارد.

حمد و سپاس مختص خداوندگار دانا و تواناست، خداوندگار تبارک و تعالی که بهترین مخلوقات یعنی انبیاء و اولیاء علیه السلام را برگزید تا ما را با تعالیم ایشان به سوی فلاح و رستگاری رهنمون و هدایت فرماید، سپاس به درگاه خداوندگاری که توفیق عنایت فرمود تا کتاب دیگری را تألیف نمایم.

توسعه و ترقی هر جامعه و کشوری در گرو توجه به سلامت همه جانبه (سلامت جسمی، سلامت روانی، سلامت اجتماعی و سلامت معنوی) افراد آن می‌باشد، زیرا انسان کامل سالم در طول زندگی خود هیچ گاه از امور معنوی و علمی غافل نبوده است، بنابراین از مهمترین ویژگی‌های انسان فرهیخته و محور اساسی حیات او در عصر حاضر توجه به سلامت و رعایت اصول اخلاقی و علمی است.

در زندگی و جهان امروزی ما شاهد شگفتی‌ها و پیشرفت‌های خارق العاده ای هستیم، در این دوران انسان توانسته است با کمک گرفتن از علوم مختلف و تجربیات و تحقیقات علمی و عملی، آگاهی و اطلاعات فراوانی را در زمینه‌های مختلف به بشریت ارائه دهد. از جمله این علوم، تربیت بدنی و علوم ورزشی است که توسعه و ترویج تأثیرات مثبت آن نیازمند انجام تحقیقات، انتشار مقالات، تألیف و ترجمه کتاب‌های ارزنده و مفید و داشتن استادان، معلمان، مربیان، مدیران، دانشجویان و ورزشکاران فهیم و آگاه است. نقش تربیت بدنی و علوم ورزشی در تکامل سطوح سلامت جسمانی، روانی، اجتماعی و معنوی نقشی مهم و غیر قابل انکار می‌باشد و توجه بیش از پیش به آن امری اجتناب ناپذیر است. بنابراین برای تمام کسانی که به خانواده بزرگ تعلیم و تربیت به ویژه تربیت بدنی و علوم ورزشی خدمت می‌نمایند آرزوی سلامت و سعادت روزافزون دارم. کتاب حاضر حاصل تجارب ورزشی، مطالعاتی، علمی، عملی و تحقیقاتی می‌باشد که مشتمل بر شش فصل است (فصل اول اخلاق در ورزش، فصل دوم حرکات اصلاحی، فصل سوم حقوق ورزشی، فصل چهارم روان شناسی در ورزش، فصل پنجم مدیریت ورزشی و فصل ششم تاریخچه المپیک و مقررات رشته‌های ورزشی است) امیدواریم با چاپ این کتاب توانسته باشیم خدمتی به نظام تعلیم و تربیت انجام داده و از تمامی متخصصین و خوانندگان محترم خواستار راهنمایی و مساعدت جهت رفع نقایص آن هستیم.

ز روز گذرکردن اندیشه کن
به نیکی گرای و میازار کس

پرستیدن دادگر پیشه کن
ره رستگاری همین است و بس

فصل اول

اخلاق در ورزش

اهداف آموزشی این فصل

- از دانشجو انتظار می‌رود با مطالعه این فصل بتواند؛
- با اخلاق و اخلاق ورزشی بیشتر آشنا شود.
- اصول ارزشی و اخلاقی در ورزش را بیاموزد.
- با ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری یک ورزشکار خوب آشنا شود.
- با لزوم نهادینه سازی اخلاق در ورزش آشنا شود.
- مفهوم ورزش پهلوانی را یاد بگیرد.



اصول ارزشی و اخلاقی در ورزش

شیر حق را دان منزه از دغل

از علی آموز اخلاص عمل

تعریف اخلاق

اخلاق، جمع خُلُق و خَلَق است به معنای سرشت، خوی، طبیعت و امثال آن؛ که به معنای صورت درونی و باطنی و ناپیدای آدمی به کار می‌رود که با بصیرت درک می‌شود؛ در مقابل خلق که به صورت ظاهری انسان گفته می‌شود، که با چشم قابل رویت است.

موضوع «اخلاق» و «اخلاق در ورزش»، به عنوان یکی از عناصر سرنوشت‌ساز در طول تاریخ بشری مطرح بوده است. تاریخ بشری، غالباً با مشکلات اخلاقی دست و پنجه نرم کرده است و «جایگاه اخلاق» در جوامع، همانند «جایگاه سر در بدن»، بسیار مهم و ارزشمند است. به طوری که این موضوع ریشه‌ای چند هزارساله دارد و از اولین دوره‌های بشری به آن توجه شده است

سخن گفتن از اخلاق «آسان است»، اما «عمل کردن» به آن آسان نیست و موضوعی نیست که به سادگی بتوان با مطالعه یک کتاب آن را کسب نمود، یا آن را تجربه کرد. امید دارم مباحث این کتاب بتواند حرف «الف» را از خرمن بزرگ اخلاق ورزشی، درباور و نگاه و نگرش ورزشکاران یا کسانی که با ورزش سر و کار دارند فراهم سازد و تغییر و تحولات مثبت ایجاد کند.

درباره اخلاق ورزشی

مهم‌ترین ویژگی‌های انسان با فضیلت عبارتند از: عقل، دین، ادب، حیا و اخلاق از اساسی‌ترین و اصلی‌ترین اهداف تربیت بدنی رعایت اصول اخلاقی است
 به طور کلی اخلاق را می‌توان به دو شکل بیان نمود.. علم اخلاق دانستن و رفتار اخلاقی داشتن

▪ Moral (علم اخلاق)

▪ Ethic (رفتار اخلاقی)

اخلاق در لغت، جمع واژه خلق و به معنی خوی‌ها است از این‌رو دانش بررسی و ارزش‌گذاری بر خوی‌ها و رفتارهای آدمی، علم اخلاق نامیده می‌شود انواع رفتارهای انسان بر مبنای دو اصل، توارث و تربیت در افراد جامعه شکل می‌گیرند. هرچند زمینه ژنتیکی در انتقال این صفات نقش مهمی دارد، ولی عوامل محیطی از قبیل خانواده، مدرسه، رسانه و در سطوح ورزشی، باشگاهها، ورزشگاهها می‌تواند عامل بروز و شکوفایی ویژگی اخلاقی باشند.

تنها راه کامیابی و نیک‌بختی جامعه، اخلاق‌مند کردن انسان‌ها است و اخلاق‌مند نمودن افراد و اجتماع نیاز به ابزار و امکانات دارد. از مهم‌ترین این ابزار و امکانات می‌توان به ورزش و ورزشگاه اشاره نمود.

ورزش می‌تواند ابزاری جهت اخلاق‌مند کردن انسان‌ها باشد و راهی هموار در جهت گسترش فعالیت‌های اخلاقی فراهم سازد؛ ورزش و مکان ورزشی خود سبب‌ساز محیط اخلاقی می‌گردد و در توسعه و پرورش اخلاق ورزشکاران مؤثر است. هدف ورزش پرورش روح اخلاقی است که شرافت، جوانمردی بستر آن را تشکیل می‌دهد. در اصول جوانمردی و پرورش روح ورزشی شرکت کردن در رقابت مهم است، نه پیروزی در رقابت



به هر قیمتی؛ به عبارتی، (خوب بازی کردن مهم و ماندگار است، نه به هر قیمتی بازی کردن و برنده شدن). البته پیش نیاز و مقدمه انجام رفتار اخلاقی، دانستن و آگاهی داشتن از علم اخلاق است. همان طوری که آگاهی داشتن و دانستن مهارت‌های اجتماعی و زندگی لازمه و زیربنای مهارت‌های تخصصی است. در این کتاب بر آن شدیم تا خوشه‌ای از خرمن بزرگ مفاهیم و موضوعات اخلاق، به ویژه اخلاق ورزشی از درخت پر بار اخلاق چیده شود و بر مبنای آن تعریف جامع از اخلاق ورزشی بیان شود. بنابراین تعریف اخلاق ورزشی عبارت است از:

مجموعه اصول بنیادی مبتنی بر درستی رفتار یا اعمال ورزشکاران در موقعیت‌های ورزشی با توجه به ویژگی‌های مساوات، عدالت، جوانمردی و آزادگی و روحیه ورزشکاری براساس قوانین و ارزش‌های حاکم بر ورزش تعریف می‌شود

آگاهی داشتن و رعایت و بکارگیری اصول اخلاقی و نیز داشتن مهارت‌های فنی به مثابه دو بال سالم و قوی می‌باشند که ورزشکاران را تکامل و تعالی می‌بخشند و به مانایی می‌انجامد (به باورم نام از نان ماندگارتر است؛ همان طور که پهلوانی از قهرمانی ارزشمندتر و ماندگارتر است)

خیلی از ضعف‌های فنی و حرفه‌ای ما بعضاً به نبود اخلاق ورزشی در میادین بازی بازمی‌گردد. معمولاً در ورزش وقتی از کسی خطایی سر زد و مرتکب اخلاق زشت و نابهنجار شد از بازیکن گرفته تا سرمربی و مدیر و سرپرست و رئیس دست به فرافکنی می‌زنند.

همانطور که یک بازیکن برای حرفه‌ای شدن و یادگرفتن اصول اولیه بازی نیاز به مربی دارد، چرا نباید نسبت به موضوع والاتر و مهمتری مثل ادب و اخلاق بی‌تفاوت باشیم، لازم است بازیکنان از مربی اخلاق مدار بهره‌مند باشند. باید آموزش اصول اخلاقی در کنار آموزش فنی و فیزیکی و سایر عوامل مورد توجه جدی همه نهادهای فرهنگی جامعه قرار بگیرد. امروزه اخلاق در ورزش پایه وفاداری و تعهد به اصل انسان مداری است. داشتن و رعایت اصول اخلاقی و پهلوانی و نیز داشتن و رعایت اصول فنی و قهرمانی ورزشکاران را اسوه و الگوه جامعه می‌کنند.

زمانی که کسب مدال در کنار روح پهلوانی و رفتار جوانمردانه و توأم با اخلاق باشد ورزشکاران بیشتر در دل افراد جامعه جای می‌گیرند.

پهلوان نان و قهرمانان ماندگار و محبوب چند بعدی هستند. هم در زمینه ورزش قهرمانی و هم با اخلاق و روح پهلوانی و فتوت و جوانمردی در دل جامعه رسوخ پیدا می‌کنند. امثال حضرت علی (ع) پوریایی ولی و غلام رضا تختی و...

چه بسیار قهرمانانی بودند که بیش از مرحوم تختی مدال‌های جهانی و المپیک کسب کردند، اما در صفحه ذهنی مردم و در حافظه تاریخی شان چیزی از آنها جز یک «اسم» به خاطر نمانده است. اما امروز با گذشت سال‌ها مردم تختی را به عنوان اسوه و الگوه می‌شناسند نه اسطوره.

برخی‌ها شعار ورزش قهرمانی را برترین، بهترین، سریع‌ترین و چابک‌ترین و .. ذکر کرده‌اند. ورزش قهرمانی بخشی از منظومه کلان‌تری است که جهان ما را در بر گرفته و آن اقتصاد آزاد نام دارد. در این گستره هر کسی باید کالاهای خود را عیان کند و برترین کالا طبیعتاً ارج و قرب بیشتری دارد.

بعضاً در این میان نیرو و توان و بدن انسان هم به عنوان یک کالا که باید ارزیابی شود مورد توجه قرار می‌گیرد. از الزامات ورزش قهرمانی، آوردن حداکثر فشار و انرژی برای ثبت استانداردها و معیارهای بهتر است. اما پرسشی مهم در اینجا سربرمی‌آورد و آن این است که چه محدودیت‌های اخلاقی در این زمینه باید وجود داشته

باشند. این محدودیتها نه تنها باید مورد توجه قهرمانان قرار گیرند بلکه مورد توجه نهادها و ورزشی نیز قرار گیرند. اخلاق علاوه بر آن که از جنس ارتباط است از جنس معرفت هم هست، یعنی چیزی بر معارف ما می‌افزاید. این که در یک مسابقه تنها یک تیم قهرمان می‌شود و این که ورزش علاوه بر قهرمانی کارکردهایی دیگر برای سلامت روح و جسم دارد و این که ورزش یک زندگی فشرده شده است. همه معارفی هستند که هرچند تأثیرات اخلاقی زیادی دارند اما بیش و پیش از آن، این‌ها بر معرفت ما می‌افزایند. معرفتی که بسی به کار ما می‌آید.

ورزش غیرحرفه‌ای البته شاید به اندازه ورزش حرفه‌ای به اخلاق ویژه نیاز نداشته‌باشد. اخلاق حرفه‌ای اخلاق یک پیشه و یک حرفه است و همان‌طور که تجارت، اقتصاد، فکر، تکنولوژی، پزشکی و رسانه نیز به اصول اخلاقی خاص خود نیاز دارند، ورزش حرفه‌ای نیز به این اخلاق نیاز دارد. در این میان دغدغه متفکران اخلاق ورزش حرفه‌ای آن است که به معیارها و کدهایی اخلاقی توسل جویند که میان همه فرهنگ‌ها و هویت‌ها مشترک است. البته بعضی‌ها معتقدند این امید را باید کم‌رنگ کرد چرا که تفاوت‌های فرهنگی تأثیر خود را بر تفاوت‌های معیارهای اخلاقی ورزش حرفه‌ای هم خواهند گذاشت.

با این همه مدافعان بر اخلاق ورزش حرفه‌ای عام و جهان شمول تأکید دارند. اگر معیاری بتواند این جهان شمولی را به وجود آورد همان قاعده طلایی است. بر طبق این قاعده کاری را که نمی‌خواهی با تو بکنند، بادیگری ممکن.

۴ لزوم نهادینه سازی اخلاق در ورزش

ورزش کردن فقط برای سلامتی بدن نیست، امروزه جایگاه ورزش در میان کشورهای جهان از ویژگی خاصی برخوردار است و به عنوان یک پدیده فرهنگی و اجتماعی مطرح شده و گستره آن از حیطه های فردی به حیطه های اجتماعی رسیده است. به همین دلیل مطالعه ورزش و بررسی ابعاد فرهنگی و اجتماعی آن امری لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

اکثر کشورها به دلایل مختلف از جمله شناساندن فرهنگ و تمدن کشور خود به دیگر کشورها و جذب گردشگران و توسعه صنعت توریسم، در صدد برپایی المپیک‌ها، جام‌های جهانی و غیره می‌باشند و رقابت نزدیکی برای گرفتن سهمیه و برگزاری مسابقات ورزشی در کشورشان با کشورهای دیگر دارند. در کنار موارد و مزایای مطرح شده، ورزش کردن عاملی برای تحرک جامعه و شادی و نشاط اجتماعی است.

زیرا کم تحرکی و عدم ورزش، موجب افسردگی افراد جامعه می‌شود. ورزش می‌تواند نقش مهم و بسزایی در هویت ملی و انسجام ملی ایفا نماید و از طریق آن می‌توان بر اختلافات فائق آمد. تقریباً در هر جامعه‌ای، ورزش یک نهاد اجتماعی بسیار برجسته به شمار می‌رود.

باید به این نکته مهم توجه داشت که یک ورزشکار می‌بایست در کنار تقویت بنیه بدنی به فکر سلامتی روحی و روانی خود باشد و این کار زمانی محقق می‌شود که اخلاق در ورزش گسترش و تعمیق یابد.

یکی از نتایج تجاری شدن ورزش، کاهش آماتور گرای و رشد حرفه‌ای گرای است.

از ویژگی‌های خاص آماتور این است که مشارکت در آن به جهت عشق و علاقه به ورزش است و نه به دلیل پاداش‌های بیرونی؛ ولی در ورزش حرفه‌ای برعکس این موضوع است.

با افزایش روند ورزش حرفه‌ای، برخی دست اندرکاران ورزش فقط به فکر کسب مقام قهرمانی هستند و کمتر به اخلاق حرفه‌ای توجه می‌کنند.

مسئله توجه به پرورش تن و ورزش در دنیای امروز به صورتی فراگیر شده است که کمتر جامعه یا مللی را می‌توان یافت که در امور ورزش و پرورش تن هزینه نکند و شاید بتوان ادعا کرد که بیش از نیمی از جمعیت جهان به عناوین



مختلف با آن سرو کار دارند .

برخی از آنها ورزشکارند و برخی دیگر طرفدار و ورزش دوست هستند و برای دیدن مسابقات ورزشی حاضرند ساعت‌ها وقت صرف کنند و هزینه نمایند؛ به همین دلیل دولت‌ها برای آن تدارک فراوان دیده اند . در کشور ما روح دینی در ورزش زورخانه‌ای تجلی یافته و به عنوان نماد اخلاق ورزشی محسوب می‌شود و ورزشکاران این رشته با توسل به بزرگانی مانند امیر مؤمنان حضرت علی (ع)، اخلاق را به قهرمانی ترجیح می‌دهند و این ورزش مصداق بارز روح فتوت و دستگیری از افتادگان در آیین ورزشی ایرانیان است . در این ورزش تنها به تقویت جسم توجه نشده ، بلکه تقویت روح و تربیت اخلاقی بخصوص در میان جوانان مورد توجه قرار گرفته است.

در ورزش زورخانه‌ای، ورزشکاران یاد می‌گیرند که همراه تقویت بدن، ایمان خود را هم تقویت نمایند و هر چه بر قدرت بدنی آنان افزوده می‌شود ، تواضع آنان نیز فزونی می‌یابد . ورزش زورخانه‌ای که به آن ورزش باستانی نیز اطلاق می‌گردد ، ورزشی است که کاملاً بعد مذهبی دارد . ورزشکاران متوجه می‌شوند که ورزش هدف نیست ، بلکه وسیله‌ای برای رسیدن به هدف، برای بیشتر و بهتر خدمت نمودن به خدا و خلق اوست و می‌فهمند که قوی ترین مردم کسی است که بر هواهای نفسانی خود غلبه کرده و به هنگام خشم ، آن را فرو برده و به هنگام پیروزی متواضع و شکر گزار باشند.

در حقیقت ورزشکاران رشته‌های دیگر ورزشی نیز می‌بایست با الگو قرار دادن ورزشکاران پهلوان و با اخلاق نظیر بعضی ورزشکاران باستانی و کشتی ، ابتدا اخلاق و منش خود را پرورش و آماده کرده و سپس به فکر قهرمانی در مسابقات باشند.

بنابراین یکی از روش‌های مؤثر ترویج اخلاق در ورزش ، نهادینه کردن فرهنگ پهلوانی در میان ورزشکاران از طریق توسعه ورزش زورخانه‌ای در میان قشر نوجوانان و جوانان است؛ و این مهم زمانی تحقق خواهد یافت که مسئولین به این امر توجه ویژه و کافی داشته باشند.

از دیگر روش‌های تثبیت اخلاق در ورزش ، نقش و جایگاه رسانه‌هاست. رسانه‌ها از سویی با معرفی ورزشکاران متخلف و بد اخلاق و با ارائه توصیه‌هایی می‌توانند نقش عمده ای را در ایجاد سیاست‌های اعمال قانون و ایجاد نظم داشته باشند؛ و از سوی دیگر می‌توانند با بزرگ و برجسته نمودن یک ورزشکار، موجب غرور نابجا و کاذب وی شده و او را به سمت و سوی تفکر در قهرمانی منهای اخلاق نمایند. در نتیجه داشتن اخلاق ورزشی در تمامی ورزشکاران، نه تنها با اهمیت است بلکه امری ضروری است و این موضوع در ورزشکارانی که قصد شرکت در مسابقات ورزشی خارج از کشور را دارند ، بیشتر نمود پیدا می‌کند ، چرا که هنگامی که ورزشکاری پا به عرصه مسابقات بین‌المللی می‌گذارد، در مقابل دیدگان میلیون‌ها بیننده و تماشاگر، به عنوان نماینده یک ملت و سفیر فرهنگ و تمدن کشورش، محسوب می‌شود.

بنابراین اولین وظیفه او داشتن اخلاق حرفه‌ای و رفتار مناسب با شئون انسانی و اخلاقی و دینی بوده و سپس کسب عنوان قهرمانی در مسابقات ورزشی است .

ورزش و هنجارهای اخلاقی: بحث ورزش و اخلاق از زوایای مختلفی قابل بحث است و می‌توان جنبه‌های فرهنگی، دینی، تربیتی، انسانی، تاریخی و حتی مردم شناختی آن در فرهنگ عامه از گذشته تا امروز را مورد بررسی قرار داد. اخلاق حرفه‌ای تا حدی بخشی از اخلاق شهروندی است و اخلاق حرفه‌ای با اخلاق ورزشی و انسانی ارتباط دارد؛ هر چند هر یک از این‌ها بر اساس هنجارهای جمعی پذیرفته شده، با یکدیگر متفاوتند .

▪ مرحله اول، در ورزش، اخلاق حرفه‌ای وجود دارد که در آن ، ورزشکاران بر اساس مقررات موجود بازی

کرده و هیچ کس از قوانین تخطی نمی‌کند. این بازی و رفتار منصفانه نام می‌گیرد .

- مرحله دوم، اخلاق جوانمردانه است که در مواقعی، یک بازیکن یا یک تیم به تیم یا بازیکن مقابل امتیازی می‌دهد (بازی جوانمردانه).
- مرحله سوم، رفتار پهلوانانه شناخته می‌شود که عمیق‌تر از دو دسته قبلی بوده و تا جایی پیش می‌رود که ممکن است در اثر آن، بازی به تیم مقابل واگذار شود.

در تقسیم بندی‌ها در رابطه با رفتار اخلاقی یا قانونی بازیکن ، سه سطح مختلف وجود دارد . به عنوان مثال ،

۱. گاهی بازیکن به دلیل ترس از جریمه خلاف نمی‌کند که این از نظر مدارج اخلاقی، پایین‌ترین سطح قرار دارد .

۲. بازیکن معتقد است که باید حق دیگران را رعایت کرد و به همین دلیل خلاف نمی‌کند
۳. بازیکن به این آگاهی و باور می‌رسد که اگر حقی را رعایت نکنند، به یک نظام و سیستم توهین کرده است نگرش نخست، مبتنی بر ارگانسیم است که در آن، انسان به مثابه ارگانی مورد بررسی قرار می‌گیرد که در مقابل محرک‌ها پاسخ می‌دهد . او معمولاً نوعی رفتار حرکتی داشته و قابلیت کسب مهارت‌های رقابتی را نیز دارد تا حدی که به صورت پیشرفته عمل کرده و به توصیف رفتار خود می‌پردازد .

رویکرد دوم، مبتنی بر ماشینیسم است. در این رویکرد، انسان به مثابه ماشینی تلقی می‌شود که سیستم عصبی اصلی‌ترین سیستم مسلط بر رفتار و حرکت او را تشکیل داده و رفتارها و مهارت‌های حرکتی وی را تنظیم می‌کند. بر اساس این رویکرد، در دنیای امروز محرک‌های شرطی و غیرشرطی بر ورزش و محرک‌های ورزشی کاملاً مسلط می‌شود و حتی گاه محرک‌های غیرشرطی مثل شهرت و پول، گوی سبقت را از محرک‌های شرطی مانند شهوت و غذا می‌ربایند .

نظریه سوم، از دو تئوری قبلی عبور می‌کند ولی آنها را نادیده نمی‌گیرد. بر اساس این نظریه، با وجود تأثیرگذاری زیاد محرک‌های شرطی و غیرشرطی در رفتار انسان، اخلاق نیز نقش قابل توجهی را در این زمینه ایفا می‌کند. بر اساس این نظریه، انسان به مثابه ماشینی است که اعصاب مهم‌ترین سیستم او را تشکیل می‌دهد؛ اما با این وجود، این تئوری مبتنی بر سمبولیسم یا نماد سازی است و بحث اخلاق را مطرح می‌کند که بر اساس آن، انسان نه فقط از نظر کمی و کیفی و نه فقط در برخی بخش‌های موجودیت خود، بلکه به کلی به لحاظ ماهوی با حیوان فاصله دارد در نگرش سمبولیسم، انسان نمادساز است و آنچه با نمادهایی مانند هنر، تعلیم و تربیت، تاریخ و زبان می‌سازد، در جهت انتقال احساس و ادراک او صورت می‌گیرد .

وقتی در ورزش اخلاق را تعریف می‌کنیم، باید منابع و فلسفه آن را نیز بشناسیم و مورد توجه قرار دهیم. این در حالی است که زمانی که ورزش در بردگرایی و با هدف کسب پول و شهرت خلاصه می‌شود، دیگر بحث از اخلاق موضوعیتی ندارد. معمولاً در ورزش رقابتی، مدیر تیم کاری به تفکر و اخلاق بازیکن ندارد. بدین ترتیب، برخی‌ها بر این باورند که ورزش و ارزش در دنیای امروز تناسب و پیوند چندانی با هم ندارند در چنین شرایطی که متولیان نظام تعلیم و تربیت به ویژه وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم و وزارت ورزش، خصوصاً دانشگاه‌ها به ویژه دانشگاه‌های تربیت محور و رسانه‌ها، هر یک به سهم خود، باید به مسئله اخلاق در ورزش پرداخته و در این زمینه فرهنگ سازی کنند.

در مورد رعایت یا عدم رعایت اخلاق و هنجارهای اخلاقی، دو دسته نظریه جامعه شناختی وجود دارند ؛ نخست، نظریه فایده گرایان که هنجارهای اخلاقی را تابع مقاصد یا مصالحی در پس آنها می‌داند و بر این اساس معتقدند که اخلاق و هنجار دائمی معنا ندارد. اگر هنجاری برای جامعه مفید باشد، اخلاقی بوده و اگر ضرر



داشته باشد، غیر اخلاقی است. این در حالی است که دسته دوم نظریات، هنجارهای اخلاقی را به عنوان نوعی تکلیف معرفی می‌کنند و اغلب آن را مبتنی بر حکمتی می‌دانند که وجود آنها را الزام آور می‌کند. اخلاق حرفه‌ای در ورزش می‌تواند بر اخلاق عمومی جامعه موثر باشد.

۱- اخلاق ورزشی و ورزش پهلوانی

ورزش مجموعه‌ای از اخلاقیات و علم زیبایی شناسی است که مردم را از طبقات مختلف اجتماعی به خدمت می‌گیرد و در جمعی پرنشاط به حرکت و جنبش وا می‌دارد. از این رو، معلمین بزرگ یکی از کارکردهای ورزش را زیبایی شناسی و اخلاق می‌دانند. در گذشته نیز در حوزه فرهنگ و تمدن اسلامی، تربیت بدنی و ورزش متأثر از ارزشهای اخلاقی بوده است. سنت پهلوانی ثمره پیوند ورزش و اخلاق است.

ورزش و پرورش بدن، گذشته از تأمین تندرستی و نیرومندی، صفات نیک و برجسته‌ای هم چون جوانمردی، شجاعت، فروتنی را به ارمغان می‌آورد، تا به آنجا که پهلوان علاوه بر مهارت در فنون، در سجایای اخلاقی و شجاعت نیز سرآمد دیگران بوده است. در نتیجه پهلوان، نیرومندی و قدرت بازوی خود را برای دستگیری از ناتوانان بکار می‌گرفت نه زورگویی و ماجراجویی.

در شاهنامه فردوسی پهلوان کسی نیست که فقط زور بازویی قوی داشته باشد، بلکه پهلوان، وجدان بیدار جامعه است. چشمان جستجوگر و ریزین اجتماع است. او در برابر زورگویان به ویژه حاکمان ظالم و ستمگران می‌ایستد و یاور کسان است که با زشتی‌ها و تباهی‌ها مبارزه می‌کنند.

۱- خصوصیات اخلاقی یک پهلوان

یک قهرمان باید خصوصیتی را دارا باشد تا در اندیشه مردم پهلوان شود؛ از جمله خصایص پهلوان، خدا دوستی و مبارزه با خواهش‌های نفسانی است. هر پهلوانی که در این مسیر قدم می‌گذارد، می‌داند که با آفتابی هم چون غرور و تکبر روبرو است. لذا یکی از تلاش‌های او، مجاهدت برای غلبه بر نفس و آراسته شدن به زینت ایمان است. علاوه بر این، پهلوان امین مردم و جامعه است؛ پهلوان و جوانمرد، دشمن ظالم و یاور مظلوم است. به همین جهت او به دیگران زورگویی نمی‌کند و آنچه حق او نیست، به زور به چنگ نمی‌آورد و به عکس، حق ستم‌دیده را با نیروی خود می‌ستاند.

گذشت و بخشش نیز از خصلت‌های بارز پهلوانان است. بسیار شکوه‌مند و زیباست آن زمان که پهلوانی در اوج قدرت، در حالی که می‌تواند بر حریف غلبه یابد، بر او سخت نگیرد و در صدد انتقام جویی و صدمه زدن به او بر نیاید. پهلوانان از پیشوایان بزرگ دین آموخته‌اند که گذشت، بهترین عمل یک انسان بلند مرتبه است. پهلوانان و جوانمردان ایرانی، در اخلاق و رعایت جنبه‌های انسانی، سرمشقی چون امام علی (ع) دارند.

امام علی (ع) می‌فرماید: «هرگاه بر دشمن دست‌یافتی، پس بخشش و گذشت از او را شکر و سپاس توانایی بر او قرار بده و خشم را فرو بنشان، هنگام غلبه بگذر، و هنگام تندخویی، شکیبایا شو با وجود تسلط داشتن، از انتقام دوری کن تا برایت پاداشی نیکو باشد.»

پهلوانان و جوانمردان همواره در امور خیر و نیکوکارانه از دیگران سبقت می‌گیرند. بطور معمول پیشی گرفتن و برنده‌شدن در رقابت‌های ورزشی، برای هر ورزشکاری اهمیت دارد، ولی پهلوان آموخته است که در امور خیر سبقت بگیرد و برای او رقابت در کارهای شایسته، بیش از برنده شدن در مسابقات اهمیت دارد. جوانمردان و پهلوانان، سعی می‌کنند در جریان مسابقات و رقابت‌ها بر نفس خویش مسلط شوند.

- از خصوصیات بارز پهلوانان و جوانمردان ، غیرت و شجاعت احسان، انصاف و ایثار است. برخی از ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری یک ورزشکار خوب عبارتند از
- تقوا
 - دانش و آگاهی
 - عمل صالح
 - انجام فرامین الهی
 - مبارزه برای اعتلای حق
 - یاری مظلومان
 - عفو و گذشت
 - خود سازی
 - تواضع و فروتنی ، پرهیز از غرور
 - ایمان
 - امین بودن
 - دانش و بینش
 - سبقت در کار خیر

➤ جوانمردی در ایران باستان

رستم و افراسیاب: در ایران رستم نماد پهلوانی بود. جوانمردی را در ایران بعد از اسلام فتیان و عیاران و شاطران ادامه دادند .

آیین فتیان

- جوانمردانی را می‌گفتند که به خصایل زینده انسانی آراسته بودند.
- ایمان به خدا؛ رابطه صحیح با خلق؛ دفاع از مظلوم، مبارزه با ظلمت؛
- راست‌گویی و راست‌کرداری ، امانت‌داری، وفای به عهد، مهمان‌نوازی، آزادگی، شجاعت،
- و.. از جمله صفات پسندیده این گروه بود.

عیاران

دسته ای از پهلوانان و دلاوران ایران بودند که به اصولی هم چون:

- رازداری، راستی، یاری درماندگان ،عفت؛فداکاری، بی نیازی، دوست دوست و دشمن دشمن ،حق نمک و... پایبند بودند. عیاران ورزشکارانی بودند قوی، ولی با نفس خود مبارزه می‌کردند و از زور بازوی خود برای حمایت از ضعفا در مقابل حکومت‌های جبار و اشخاص زورگو استفاده می‌کردند.

شاطران

- شاطران اغلب در خدمت امور مهم دولت‌ها و کارهای مهم نظامی و غیر نظامی بودند.
- تقوی، طهارت، صداقت، امانت داری از اصول مسلم شاطران بوده است.
- استقامت، صبر، بردباری، اطاعت، شهامت، راستی، تهور، بصیرت، شجاعت، اعتماد به نفس، ثبات یا عزم و استقامت، قناعت و سادگی و عفت اجتماعی همه از سجایای حمیده ای هستند که در تربیت بدنی از طریق مربی مورد توجه قرار می‌گیرند.

➤ اخلاق ورزشی در عصر معاصر

امروزه ورزش در زندگی مردم دنیا نقش مهمی دارد و میلیون‌ها نفر نیز به آن اشتغال دارند. از این رو توجه به اخلاق ورزش در میان تمام دست اندرکاران ورزش مسئله‌ای حائز اهمیت است.

بعضی ورزش را آن دسته فعالیت‌ها یا مهارت‌های عادی جسمانی دانسته‌اند که بر پایه یک رشته قوانین همگانی با هدف کسب سرگرمی و تفریح، مسابقه، نشاط، ورزیدگی، مهارت یا آمیزهای از این اهداف صورت می‌گیرد. در این جا ورزش براساس هدف از آن تعریف شده است. پس براساس این دیدگاه ورزش به شمارآمدن یک فعالیت با هدف و منظور از آن فعالیت سنجیده می‌شود. ورزش کردن طی سالیان طولانی از قالب یک تفریح و سرگرمی به صورت یک حرفه و فعالیت درآمدزاست و تعداد بی‌شماری از ورزشکاران حرفه‌ای در سراسر جهان از طریق ورزش به ثروت و رفاه رسیده‌اند. این یکی دیگر از خصوصیات ورزش است.

پرسش‌ها و مسائلی که در عرصه اخلاق ورزش مطرح می‌شود از این قرار است :
چرا ما به ورزشکارها به عنوان الگوی رفتار اخلاقی نگاه می‌کنیم ؟ اصول اخلاقی ورزش از کجا می‌آید ؟ آیا باید میان انواع اخلاق ورزش هم تمایز گذاشت ؟ آیا موازین و الزامات اخلاقی در فضای ورزش آماتور با دنیای ورزش حرفه‌ای یکسان است ؟

درخیلی از کشورها نیروی ورزشکار کالایی گرانبها است که صاحبش آن را به بهترین خریدار می‌فروشد . ورزشکارها خرید و فروش می‌شوند و حتی خود بر چسب یا مارکی برای فروش می‌شوند که کالاهای دیگر را با نام آنها بتوان فروخت.

برخی از مهمترین موضوعات اخلاق ورزش که در کتاب‌های اخلاق کاربردی به آنها توجه شده ، ارزش‌ها در ورزش ؛ ورزش، اخلاق و هویت، ورزش و تعلیم اخلاقی، توسعه اخلاقی در ورزش، فلاسفه در میدان ورزش ، جوانمردی به مثابه مقوله‌ای اخلاقی، رقابت و همکاری، بازی منصفانه، تقلب، ورزش، مواد نیروزا و مواد مخدر ؛ ارزش‌ها و خشونت‌ها در ورزش امروز ؛ ورزش و جنسیت ؛ ورزش و موضوعات نژادی هستند.

له اخلاق ایرانی و ورزش زورخانه‌ای

اخلاق از آن دست موضوعاتی است که بسیاری از اندیشمندان و محققان رشته‌های علوم انسانی به آن پرداخته‌اند، اما این موضوع وقتی درکنار ورزش قرار می‌گیرد رنگ و بویی دیگر می‌گیرد. در فرهنگ غنی ایرانی، ورزش به عنوان وسیله‌ای برای پرهیز از بیکاری، مبارزه با کسالت و تنبلی، افزایش توانایی‌ها در جهت خدمت رسانی و سلامت (سلامت جسم، سلامت روح، سلامت اجتماع و سلامت معنوی) ، شجاعت است اما وقتی با اخلاق همراه می‌شود نقشی فراتر می‌گیرد و از این رو تربیت بدنی درکنار پرورش جسم ، روحی سالم را نیز جستجو می‌کند و دراین مسیر چنان پیش می‌رود که از یک ورزشکار معمولی ورزشکارانی امثال پوریایی ولی، جهان پهلوان تختی و ... می‌سازد تا نام و مرام ورزش و ورزشکار، از یک قهرمان به یک پهلوان تبدیل شود و این پهلوان برای همیشه در تاریخ به‌عنوان الگویی تمام عیار ماندگار شود(نام از نان ماندگارتر است)

ورزش باستانی یا زورخانه‌ای میراث معنوی نیاکانمان از دیرباز با اخلاق پیوندی ناگسستنی داشته و این مفهوم را در قالب فتوت ، پهلوانی و جوانمردی به ورزشکاران آموزش می‌داده‌اند.

نگاهی گذارا به تاریخ ورزش در ایران مبین الگوهای ورزشی است که درکنار بدن‌سازی و تقویت جسم برتذهیب نفس و سالم سازی روح تاکید بسیاری داشته‌اند و ورزشکاران که عمدتاً برخاسته از زورخانه بودند به عنوان انسان‌هایی برجسته نقش بسیار مهمی حتی در تغییر و تحولات اجتماعی و سیاسی داشته‌اند.

درمکتب ورزش زورخانه‌ای، ورزشکار درگود زورخانه ضمن انجام حرکات ورزشی یا ارشاد شخصی به نام مرشد نام خداوند ، ائمه معصومین(ع) به ویژه مولای متقیان حضرت علی(ع) را دائماً ادا می‌کند تا دچار غرور

نخوت نشود.

برای همین است که یک ورزشکار هنگام ورود به زورخانه سرخم می‌کند و مطابق آیینی خاص وارد زورخانه می‌شود، با اجازه از مرشد، پیشکسوتان وارد گود می‌شود و درحین ورزش نیز دائماً ذکر می‌گوید تا بدانند در اوج قدرت، خداوند به عنوان غایت هستی در همه جا حاضر و ناظر است. در واقع این طور می‌توان عنوان کرد که یک ورزشکار زورخانه‌ای همراه ورزش، عبادت و اطاعت می‌کند تا بتواند درکنار قهرمانی، پهلوانی را هم بیاموزد، چرا که در فرهنگ ورزش ایرانی، ورزشکار باید از قدرت، زور بازو و مقبولیتش را در اختیار جامعه قرار دهد. در این فرهنگ رسیدن به مرحله قهرمانی و پهلوانی نیازمند سیر مراحل است، بر این اساس جوانمرد، عیار و پهلوان باید آزاد، بالغ، عاقل، یتیم پرور، خوش خلق، امانتدار، باحیا و صالح باشد. تا الگوی مناسبی برای دیگران باشد. برای همین است که پهلوانان تاریخی ایران زمین هرگاه در گود زورخانه پشت حریفی را با خاک آشنا کردند درس‌های بزرگی را برای ورزشکاران دیگر در تاریخ از خود به یادگار گذاشتند. چون آنها درکنار تعلیم جسمشان سیر و سلوک اخلاقی را چون عارفی بلند همت طی می‌کردند.

داستان پوریای ولی و مبارزه تختی با الکساندرمدویدو ... صدها مورد دیگر که درتاریخ منقول ورزش باستانی به یادگار مانده است را نباید به فراموشی سپرد، چراکه ورزش حرفه‌ای دنیای امروز، پس از قرن‌ها به دنبال احیای قوانینی است که باستانی‌کاران صدها سال قبل آن را احیا و به واسطه آن در وادی ورزش حرفه‌ای گام می‌نهادند. در این میان دغدغه متفکران اخلاق ورزش حرفه‌ای آن است که ضمن احیای اخلاقیات به معیارهایی متوسل شوند که به نوعی درمیان آیین و فرهنگ و تمدن‌کشورها هویتی مشترک داشته باشد که ایران به عنوان یکی از غنی‌ترین فرهنگ‌ها دربخش اخلاق و ورزش با توسعه ورزش زورخانه‌ای و کشتی پهلوانی خواهد توانست بای‌جدید در این خصوص بازکند.

ورزش باستانی ایرانیان ورزشی مبتنی بر اخلاق است، ورزشی است که درآن حداقل آداب و رفتار اخلاقی مورد تاکید قرار می‌گیرد و پیوند این ورزش با بدنه ورزش حرفه‌ای و حتی ورزش آماتور و ورزش آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها و باشگاه‌ها می‌تواند بالندگی اخلاقی بیشتر را در ورزش‌کشور احیا کند. این موضوع ممکن نخواهد بود جز این که تلاش و باورکنیم ورزش زورخانه‌ای می‌تواند بسیاری از مسائل اخلاقی را که درکنار تبلیغات فرهنگی گم شده احیا شود.

۴ اخلاق در زندگی قهرمانان (پهلوانان نمی‌میرند)



جهان پهلوان تختی

داستان زندگی قهرمانان، سرشار از تلاش و پشت‌کار در زندگی، استقامت در برابر شکست‌ها، خلاقیت و خطر کردن برای دست‌یابی به پیروزی‌های بزرگ است و از رهگذر زندگی آنها می‌توان به ایده‌ها و الگوهای ارزشمندی برای زندگی دست یافت. در طول تاریخ ورزش ایران، پهلوان و قهرمانی مانند تختی برای مردم عزیز است. او از محبوب‌ترین ورزشکاران تاریخ است؛ و یادآور رستم داستان پوریای ولی و آرش کمانگیر است. تختی قوی، مهربان و متواضع بود. در بزرگی و مقام شامخ او همین بس که همه ورزشکاران ایرانی آرزو دارند همانند او باشند.

غلامرضا تختی در روز پنجم شهریورماه سال ۱۳۰۹ در محله ی خانی آباد تهران دیده به جهان گشود، چنان که خود

نوشته است: (پدرم بخاطر اعتقادات مذهبی و ارادت خالصانه ای که به امام هشتم داشت، نام غلامرضا را برمن نهاد) نخستین واقعه ای که در کودکی غلامرضا روی داد و ضربه ای بزرگ و فراموش نشدنی در روح او وارد کرد، آن بود که مرحوم پدرش برای تأمین معاش خانواده ناچار شد خانه مسکونی خود را گرو بگذارد.

تختی سال‌ها بعد در آخرین مصاحبه خود با یادآوری این ماجرای تلخ می گوید: «یک روز طلبکاران به خانه ما آمدند و اثاثیه خانه و ساکنینش را به کوچه ریختند، ما مجبور شدیم که دو شب را توی کوچه بخوابیم. شب سوم اثاثیه را بردیم به خانه همسایه‌ها و دو اتاق اجاره کردیم. تختی با تلاش و جدیت فراوان و علیرغم فقر مادی شدیدی که خانواده اش با آن دست به گریبان بود، توانست در ورزش کشتی رشد کرده و به مراتب بالایی دست پیدا کند. (بیژن رویین‌پور ۱۳۷۴)

غلامرضا، ورزش را از نوجوانی آغاز کرد. ورزش ابتدا برای او نوعی تفنن و سرگرمی بود. در همان اوان، خیال قهرمان شدن، مدتی او را به وسوسه انداخت اما از همان نوجوانی که تازه به فکر باشگاه رفتن افتاده بود، اعتقاد داشت که ورزش برای تندرستی و سلامت روان و تن هر دو لازم است.

آشنای حقیقی تختی با ورزش و کشتی در باشگاه «پولاد» آغاز شد. او که پیش از این گودها و زورخانه های فراوانی دیده بود و شیفته تواضع و افتادگی پهلوانان کشتی و ورزشی باستانی شده بود، برای نخستین بار در سال ۱۳۲۹ به باشگاه پولاد رفت و به دلیل علاقه و استعداد وافر که نسبت به کشتی نشان داد مورد توجه مرحوم «حسین رضی زاده» مدیر آن باشگاه قرار گرفت. (olympicacademy.ir)

وی در نخستین دوره مسابقه های کشتی آزاد قهرمانان جهان (هلسنیکی، ۱۹۵۱) با وجود آن که هنوز ۲۱ سال داشت، نایب قهرمان جهان شد.

درخشش خیره کننده تختی در رقابت های هلسنیکی که در نخستین حضور او در مسابقه های قهرمانی جهان در فاصله کمتر از دو سال از ورودش به میدانی ورزشی داخلی اتفاق افتاد، بیش از هر چیز نمایانگر ایمان و تلاش و اراده کم نظیر تختی و هم چنین استعداد و مهارت فوق العاده او در زمینه کشتی بود.

▪ افتخارات ورزشی مرحوم غلام رضا تختی

- سال ۱۹۵۱ میلادی هلسنیکی فنلاند (۱۳۳۰ شمس)
- مدال نقره جهان
- ۱۹۵۸: توکیوی ژاپن
- مدال نقره جهان
- ۱۹۵۲: المپیک هلسنیکی (۱۳۳۱)
- مدال طلای مسابقات آسیایی
- مدال نقره المپیک
- ۱۹۵۹: تهران (۱۳۳۸)
- مدال طلای جهان
- ۱۹۵۳: جشنواره ورشو (۱۳۳۲)
- مدال نقره
- ۱۹۶۰: المپیک ایتالیا (۱۳۳۹)
- مدال نقره لهستان (۱۳۳۴)
- ۱۹۵۵: ورشو لهستان
- مدال نقره جهان
- ۱۹۶۱: یوکوهامای ژاپن (۱۳۴۰)
- المپیک ملبورن (۱۳۳۵)
- مدال طلای مسابقات جهانی
- ۱۹۶۲: تولیدوی آمریکا (۱۳۴۱)
- مدال نقره مسابقات جهانی
- ۱۹۵۸: صوفیه بلغارستان (۱۳۳۷)

در عرصه ورزش کشتی تختی در شمار پرافتخارترین ورزشکاران این رشته در سطح ملی و جهان است و وی را در شمار نوادر این ورزش می‌دانند. اما آنچه که از تختی اسوه و اسطوره ای شگفت آفریده است ادب، تواضع، نوعدوستی و خصوصیات پهلوانی اوست که ریشه در باورهای دینی او دارد.

له سجایا و خصایص انسانی والای شادروان تختی

جهان پهلوان غلامرضا تختی از پرافتخارترین چهره‌های تاریخ ورزش قهرمانی ایران و فاتح سکوه‌های رفیع کشتی جهان، نه تنها در ایران که در تاریخ ورزش دنیا نیز چهره‌ای کاملاً شناخته شده است. با وجود گذشت چند دهه از آخرین حضور تختی در رقابت‌های المپیک (توکیو، ۱۹۶۴) و نیز چند دهه از درگذشت جهان پهلوان، نام وی هم چنان در زمره نام آورترین قهرمانان کشتی رقابت‌های المپیک می‌درخشد. با این همه تردیدی نیست که راز محبوبیت و ماندگاری کم نظیر شادروان غلامرضا تختی را نه در برق نشان‌های رنگارنگ ورزشی او که در خصایص و سجایای اخلاقی و صفات بارز انسانی این فرزند وفادار مردم باید جستجو کرد.

«او با مردم و هم چون مردم زیست. در شادی شان گلخنده اش را نثار آنان کرد و در ماتم و اندوهشان، ایثارگرانه و اندوهگین در کنارشان جای گرفت. شادی هر لبخند فتحی را که بر لبانش نقش بست با آنان قسمت کرد و با غرور و پیروزی خویش بارها و بارها، زنگار اندوه شکست‌های دیرین را از سینه آنان شست. تختی بزرگ، خود نیز به عمق علاقه خالصانه طبقات محروم و رنج دیده نسبت به خویش واقف بود، وی در پاسخ به خبرنگاران داخلی و خارجی که از او پرسیده بودند: «با ارزش‌ترین مدالی که تا کنون گرفته‌ای کدام است؟» گفته بود: «بزرگترین پاداش و عالی‌ترین هدیه‌ای که گرفتم مدال یا نشان طلا و نقره نبود. قلب یک انسان بیش از هزاران مدال طلا ارزش دارد و من می‌دانم که هزاران هزار نفر از مردم حق شناس میهنم در قلب مهربان خودشان جای کوچکی هم برای من ذخیره کرده‌اند.»

"تقافیان" از مفسران قدیمی ورزش در مشهد با تجلیل از سجایای اخلاقی جهان پهلوان تختی می‌گوید: «تختی ارادت و علاقه زیادی به حضرت امام رضا (ع) داشت و در هر فرصتی که پیش می‌آمد و یا قبل از هر سفری به خارج به مشهد می‌آمد و به زیارت و پابوسی آن حضرت مشرف می‌شد. وقتی وارد حرم حضرت رضا (ع) می‌شد، دیگر خودش نبود، آستان بوسی او به قدری خاضعانه و بی‌پیرایه بود که همه همراهان و اطرافیان را تحت تأثیر قرار می‌داد.»

تختی در آخرین مصاحبه اش در مورد رمز موفقیت خود را تاسی از ائمه اطهار دانسته و می‌گوید: من از علی (ع) آموختم که در مقابل ناملایمات باید ایستادگی کرد و برای پیروزی باید تلاش کرد و با اتکال به خدا به میدان رفت و پیروز شد و من چنین کردم و پیروز شدم.

ساده زیستی، قناعت و مناعت طبع از صفات بارز جهان پهلوان بود. او با وجود مشکلات مالی با بزرگواری، مستمری خود را نیز به کشتی‌گیران نیازمند حواله می‌کرد.

تختی هر بار که عازم سفر ورزشی بود، به مشهد می‌رفت و به ثامن الحجج (ع) متوسل می‌شد، در عین حال که دستگاه تربیت بدنی و سرشناسان شهر به او بسیار احترام می‌گذاشتند و استقبال می‌کردند، او به خانه وفادار- پهلوان صاحب بازوبند- وارد می‌شد.

مردمداری و دستگیری نیازمندان یکی دیگر از خصایص بارز جهان پهلوان بود که در این مورد حکایت‌های بسیار زیادی نقل شده است. بابک فرزند پدر نادیده که تختی را از ورای انبوه سخنان و خاطرات مردم باز شناخته است در این مورد می‌گوید: «از دستگیری‌های تختی خاطره خیلی زیاد است. از کمک به یک زن و مرد فلج که تازه ازدواج کرده بودند تا دکه مطبوعاتی خریدن برای یک جوان بیکار و... می‌گویند هر وقت کادویی از طرف راه آهن- محل کارش- یا بقیه سازمان‌ها و دستگاه‌ها می‌گرفت، بدون اینکه آنها را باز کند به کسانی می‌داد که ناگفته سرپرستی شان را به عهده داشت بعد از شب هفت، یکی از دوستانش می‌بیند که پیرزنی در راهروهای

فدراسیون کشتی می گردد. از او می پرسد: «مادر چی می خوای؟ دنبال کی می گردی؟» پیرزن می گوید: «والله نمی دونم دنبال کسی می گردم که قد و قواره اش به پهلوانها می خوره او میومد به من کمک می کرد، چند وقتیته که پیدایش نیست، گفتم شاید بتوانم اینجا ازش خبری بگیرم.»

... و بالاخره تختی با مردم بود و از مردم، مردم گرایبی در ذاتش بود تختی در طول عمر خود تنها یک بار دست نیاز به سوی دیگران دراز کرد و آن هم بخاطر مردم و این دست با صمیمیت شرافتمندانه بدرقه شد.

شهریور ماه ۱۳۴۱ چند روز پس از زلزله ویرانگر «بویین زهرا» پهلوان و چند نفر از دوستانش در حالی که اخبار و تصاویر ساکنان مصیبت زده و ویرانه های مناطق زلزله زده را در روزنامه نگاه می کردند بدون هیچ اعلان و تبلیغاتی اول صبح به چهار راه ولیعصر فعلی رفت و تصمیم خود برای جمع آوری اعانه به نفع زلزله زدگان را به کمک دوستانش به اطلاع مردم رساند. پس از آن غوغایی به پا شد که در تاریخ مشارکت های مردمی ایران کم نظیر و شاید بی نظیر بود. محمود رفعت از دوستان و علاقمندان جهان پهلوان و نویسنده کتاب «تختی مرد همیشه جاوید» این واقعه تاریخی را چنین نقل می کند: «مردم که دهن به دهن خیردار شده بودند از دور و نزدیک خودشان را رسانده بودند به پهلوان و بی دریغ هر چه از دستشان برمی آمد کمک کرده بودند. چند دانشجو کتشان را درآورده بودند و انداخته بودند روی تل بزرگ لباس ها، پتوها، ظرف ها، طلا و جواهرات و خلاصه هر چیزی که عابران معمولاً همراه دارند یا خانه دارها می توانستند از آن صرف نظر کنند. در این میان پیرزنی چادرش را از سرش برداشته بود و بعد از دادن آن به پهلوان گفته بود: «پسرم خدا عمرت بدهد که به فکر مصیبت زده ها هستی، خدا عزتت را بیشتر از این ها بکند که غصه خانه خرابها را می خوری، من خجالت زده ام که چیز دیگری ندارم.»

پهلوان در حالی که چشمایش از اشک برق می زد چادر را برداشت و ملتسانه از پیرزن خواهش کرد که آن را بگیرد. پیرزن چادر را که تختی به او داده بود دوباره روی تل هدایا انداخت و با لحن مادری که از حرف گوش نکردن فرزندش بی حوصله شده گفت: «مرحمت خشک و خالی که فایده ندارد، پسرم.»

پیرزن وقتی با تردید دوباره پهلوان مواجه شد، خشمگینانه گفت: «یعنی ما فقیر بیچاره ها حق نداریم!» صورت پهلوان یک دفعه رنگ به رنگ شد، گفت: «شما را به خدا این حرف را ننزید. شما از هر ثروتمندی ثروتمندترید، حق دارترید، چون که بلندنظرتر و باگذشت ترید. عطاءالله بهمنش از کارشناسان معروف کشتی در این مورد می گوید:

«نزدیک ظهر بود که تختی به خیابان استانبول رسید و به مغازه ای مراجعه کرد، صاحبش گفت: من از این پولها به کسی نمی دهم ولی به تو پهلوان ایمان دارم. آن دخل را بردار و برو! مطمئن هستم در محل درستی مصرف خواهد شد.»

روزنامه «کیهان ورزشی» که خبر این رویداد را با عنوان «تختی، گوهر گرانهای ملت ما» در شماره ۲۴ شهریورماه ۱۳۴۱ خود به چاپ رسانده بود، ثمره دو روز پیاده روی تختی را چهارکامیون خواربار و پوشاک و بیست هزار تومان پول نقد (که در آن زمان رقم بسیار بالایی به حساب می آمد) نوشته است. می شود قهرمان شد ولی پهلوان ماند:

تختی قبل از آنکه در روی تشک با حریفان دست و پنجه نرم کند، با نفس خود به مبارزه پرداخته بود. جوانمردی، فتوت و صفات انسانی تختی که ریشه در اعتقادات و باورهای عمیق او داشت هرگز به عرصه های اجتماعی و برخوردهای مردمی وی محدود نمی شد. جهان پهلوان این سلاله خلف «پوریای ولی» در میادین ورزشی و رقابت های جهانی نیز منش والای خود را به نمایش می گذاشت.

در این مورد خاطره‌ها و روایت های فروانی نقش شده است. الکساندر مدوید، کشتی گیر صاحب نام شوروی سابق و رقیب مقتدر تختی در این مورد خاطره جالبی دارد: «در تولیدو (۱۹۶۲) تختی و من دیدار نهایی را برگزار کردیم. در جریان این مسابقه ها، پای راست من به شدت ضرب خورده و روحیه ام را خراب کرده بود. فکرم متوجه تختی بود که باید با این پای ناچور با او مبارزه می کردم. به راستی تا آن موقع از خصوصیات اخلاقی، رفتار و کردار انسانی و والای تختی خبر نداشتم. اما در آنجا به عظمت، انسانیت و جوانمردی تختی پی بردم و تحت تاثیر آن قرار گرفتم. او که شنیده بود پای راست من ضرب دیده با این پا به خوبی مدارا کرد و هرگز نخواست با هجوم به این پا مرا زجر دهد. او تا آخرین لحظه، مردانه و تمیز کشتی گرفت و از پای ناراحت من اصلا استفاده نکرد. تختی با این کارش نشان داد که یک قهرمان به معنای واقعی است. بعد از این جریان، ما به صورت دوست صمیمی درآمدیم. او همیشه مرا دوست می داشت. او ملت خودش را هم دوست می داشت و فکر می کنم تختی اصلا برای ملتش زندگی می کرد. آشنایی با او برای من افتخار بزرگی به حساب می آید. تختی بسیار خوب و فنی کشتی می گرفت و من چیزهای زیادی از او آموختم. ما روی تشک دو حریف سخت کوش بودیم و در خارج از تشک دو دوست جدانشدنی، تختی می تواند الگوی خوبی از نظر ورزشی و اخلاقی برای جوانان شما باشد. سال ۱۳۹۲ در جریان مسابقات ورزشی دانشجویان جهان (فیو) در کشور روسیه، شهر کازان که مصادف با ماه رمضان بود در سالن برگزاری مسابقات کشتی الکساندر مدوید و الکساندر کارلین از ویژگی های مثبت و منش اخلاقی غلامرضا تختی یاد می کنند.

۴ آخرین مسابقه تختی

امروزه در بین ورزشکاران خداحافظی در اوج یک ارزش محسوب می شود زیرا فکر می کنند در صورتی که شکست بخورند اعتبار گذشته شان را هم از دست می دهند و قهرمانی های قبلی شان خدشه دار می شود و به اصطلاح به فکر آبروی ورزشی خود هستند.

جهان پهلوان تختی بعد از المپیک ۱۹۶۴ توکیو و با وجود توصیه بعضی از دوستانش که او را از حضور مجدد در میادین برای حفظ اعتبارش منع می کردند برای شرکت در مسابقات ۱۹۶۶ تولیدو به میادین برگشت. به راستی چرا؟ آیا تختی می خواست به مدال هایش اضافه کند؟ آیا او تشنه افتخاری دیگر بود؟

گفته های مرحوم نبی سروری که خود از دلوران کشتی و هم تیمی تختی بود در پاسخ به این سؤالات راه گشا و ارزش مند است. سروری می گوید:

«در آستانه سفر به تولیدو آمریکا (۱۹۶۶) از وضع غلامرضا از من پرسیدند، گفتم: تختی در سن و سالی نیست که به توان انتظارات گذشته را از او داشت ولی اگر قرعه چنان باشد که در دوره مقدماتی به آئیک و مدوید برخورد نکند می توان انتظاراتی از او داشت.

گویا این اظهار نظر من به گوش خدا بیمارز رسیده بود. زمانی که از هیاهوی بدرقه کنندگان فاصله گرفتیم و در داخل هواپیما مستقر شدیم من رو به اسم صدا کرد و خواهش کرد کنارش بنشینم. وقتی در کنارش قرار گرفتم گفت:

سروری الان که می بینی کشتی بگیریم برای خودم محرز است که هیچی نمی شم ولی چه کنم که نمی توانم روی خواست مردم ایستادگی کنم، می دانم غرورم در مقابل حریفان جوان شکسته خواهد شد ولی شاد هستم که می توانم اسباب رضایت آن هایی را که به من هستی و اعتبار بخشیدند جلب کنم.



جوابی نداشتم که به او بدهم، از بد حادثه تختی در آخرین میدان از نقطه نظر قرعه با خوش اقبالی مواجه نشد ابتدا حریف مجاری را که سال‌های بعد در کشتی آزاد و فرنگی صاحب مدال‌های متعددی شد شکست داد و بعد از این که مقابل احمد آیک ترک مغلوب شد برای آخرین کشتی به دیدار قوی ترین حریفش، الکساندر مدوید رفت.

وقت اول تمام شد، هنگام استراحت به من گفت:

سروری! هیچ جا را نمی‌بینم.

به او گفتم اگر واقعاً نمی‌توانی کشتی بگیری ادامه نده.

سری تکان داد و گفت:

من اینجا آمده‌ام که کشتی بگیرم، حرفش را هم نزن.

به واقع در آخرین کشتی تختی با همه مشکلات مرد و مردانه جنگید و با مسابقات قهرمانی وداع کرد. این خاطره ما را به یاد آخرین کشتی پهلوان رسول خادم می‌اندازد که در سال ۱۹۹۸ قهرمانی جهان در تهران در سنگین وزن با حریف کوبایی (الکسیس رودزیگر) با وجود این که وزن خادم کمتر بود تا آخر مبارزه کرد و با افتخار چهار گوشه تشک را بوسید و از ورزش قهرمانی کشتی خداحافظی غیرمنتظره و باشکوهی را به یادگار گذاشت.

زندگی جاوید این پهلوان مردم، فصلی که به شهادت ۳۵ سال حضور مستمر و بالنده او هرگز آخرین فصل حیات او نبوده است.

مردم در تشخیص خویش اشتباه نمی‌کنند، آنان در مراسم باشکوه تشییع پیکر تختی به قبرستان (ابن بابویه) - که عکس‌های آن موجود است - برایش کلمه <شهید> را به کار برده اند.

تختی، قهرمان مردم است، مردم چرا قهرمان خود را دوست دارند! در طول سالیان دراز او را رستم ایران نام نهادند، او را شیر دلیران نامیدند. به راستی که او شیر دلیران نبرد با خود، با من من است. او عملاً به همه یاد داد و آموخت که اگر می‌خواهی زندگی کنی ابتدا باید حریم‌های زندگی خود و دیگران و اجتماع را بشناسی و سپس گام برداری. او به ما آموخت که:

(می‌شود قهرمان شد ولی پهلوان ماند)

تختی هنوز برای ما شناخته نشده است. آری، ما مردم عادت کردیم هر سال و سالی یک بار چند ساعتی فکرمان، ذهن مان را به او مشغول و تعدادی هم وقت شان را در حد چند ساعت برای او در سال گشت نبودنش گذرانده و به کنار مزار او به احساسات پاک خود پاسخ داده و دیگر

سعی کنیم او را افسانه ای نکرده و بخشی از رفتارهای او را تدوین و گردآوری کرده و با تعمق بیشتر بر روی هر حکایت، تلاش نمائیم به عنوان مربی، مدیر و ورزشکار حداقل به آن رفتارها نزدیک شویم. بهتر است سعی کنیم از مسیر زندگی تختی درس‌هایی بگیریم و تلاش کنیم به آن نزدیک شویم.

پهلوان‌پوری‌ولی

نام پوری‌ولی آن چنانکه دانسته شده، پهلوان محمود خوارزمی است. پوری‌ولی در جوانی کشتی می‌گرفت و پیشه پوستین‌دوزی و کلاه‌دوزی داشت. در همان زمان جوانی، به شهرهای گوناگون آسیای میانه، ایران و هندوستان سفر کرد و همه جا کشتی گرفت و به پهلوانی نام یافت.

درباره دگرگونی روحی پوری‌ولی روایت‌های فراوان آورده‌اند. پوری‌ولی در میان ورزشکاران ایران

نمونه‌ای از اخلاق، پایمردی و جوانمردی است و نه تنها در مقام یک پهلوان، بلکه در مقام یک قدیس در میان مردم جایگاهی والا و افسانه‌ای دارد.

نویسندگان درباره زادگاه او نیز اختلاف نظر دارند. برخی او را از مردم اورنج (از شهرهای خوارزم)، برخی از مردم گنجه و برخی دیگر، بر اساس طوماری قدیمی به جا مانده از دوره صفوی، او را از مردم خوی، سلماس دانسته‌اند. به روایتی مقبره او در شهر خوی، استان آذربایجان غربی می‌باشد. آرامگاه دیگری نیز منسوب به وی در شهر خیوه ازبکستان وجود دارد و البته آرامگاهی هم در مابین صومعه سرا و فومن این مقبره خود یک مجموعه فرهنگی - تاریخی است و در فاصله قرن‌های هشتم تا چهاردهم هجری (۱۴ تا ۲۰ میلادی) برای بزرگداشت نام پهلوان محمود ساخته شده‌است. چنانکه در آن نواحی رسم بر این است که پس از مراسم ازدواج برای تبرک به زیارت آرامگاه او می‌روند.

بر اساس برخی منابع پهلوان محمود قتالی فرزند پهلوان پوریای ولی بوده و با عنوان محمود قتالی بن پوریای ولی از وی نام برده شده‌است. برخی از منابع متأخر کلمه «ابن» که به معنی «فرزند» است، حذف نموده و منابع معاصر نیز هر دو شخصیت را یکی فرض نموده و پهلوان محمود قتالی را مشهور به پوریای ولی ذکر کرده‌اند. این اشتباه در دائرةالمعارف بزرگ اسلامی هم تکرار شده‌است. اما باید توجه داشت که پهلوان محمود قتالی هر چند که عارف و پهلوان نامداری بوده و آثاری هم با یادگار گذاشته، ولی هرگز در شهرت و نام‌آوری به پای پدرش پهلوان پوریای ولی نمی‌رسید.

پس می‌توان گفت آرامگاه پهلوان محمود قتالی فرزند پوریای ولی است که در شهر خیوه در ۲۵ کیلومتری جنوب شهر اورنگ مرکز خوارزم ازبکستان می‌باشد.

شهرت پوریای ولی تنها به دلیل پهلوانی‌هایش نیست بلکه مردم منطقه او را به داشتن ویژگی‌های نیکوی اخلاقی معلم، مرشد، صوفی و مرد خدا می‌شناسند. آرامگاه مشهور شده بنام او از پر رونق‌ترین مکان‌ها در منطقه‌است که هر روز مردم کثیری از اطراف گردآورده و به ویژه خوارزم برای زیارت و راز و نیاز با خدای خود به آنجا می‌روند. گفتنی است که در کنار مقبره ایشان قبر امیران و صاحب منصبان زیادی مدفون‌اند اما امروزه از هیچ‌یک از آنها نامی برده نمی‌شود و تنها نام پهلوان محمود بن پوریای ولی و آرامگاهش هم‌چنان زنده‌است. البته مقبره‌ای در شهر خوی وجود دارد که روی آن نام پوریای ولی نوشته شده‌است؛ و مردم شهر خوی آن را «پیر ولی» می‌نامند. داستانی در مورد پوریای ولی در بین مردم خوی از گذشته‌های دور در باره قبر پوریای ولی سینه به سینه نقل شده‌است و ما نمی‌توانیم از داستان‌های که مردم بصورت سینه به سینه نقل می‌کنند. به سادگی بگذریم. به هر حال این داستان که در کتاب‌های تاریخی هم نقل شده، علت اسطوره شدن پوریای ولی را نشان می‌دهد. این داستان در بین مردم خوی چنین معروف است که:

جوانی از فقرای شهر خوی که از نعمت پدر محروم بود. عاشق دختر حاکم این شهر می‌شود. او که تنها فرزند مادرش بود، از شدت عشق بیمار و بستری می‌گردد. مداوای پزشکان در علاج بیمار کارگر نمی‌افتد. بالاخره پسر زبان می‌گشاید و از عشقش به دختر حاکم می‌گوید. مادر و نزدیکانش وی را نکوهش می‌کنند. اما پسر بر عشق خویش پافشاری می‌کند و مادر به ناچار به خواستگاری دختر حاکم می‌رود. خبر به گوش دختر حاکم می‌رسد و وی ازدواج خود با آن پسر یتیم را مشروط به پیروزی وی بر پهلوان نامدار خوی، پوریای ولی می‌کند. از آنجا که عشق منطق دیگری دارد. پسر جوان با وجود این که می‌داند، توان غلبه بر پوریای ولی را ندارد، برای مبارزه و کشتی گرفتن اعلام آمادگی می‌کند. تاریخ مبارزه روز جمعه تعیین می‌شود.

در شب پنج شنبه در یکی از مساجد شهر خوی، مادر آن جوان حلوائی نذری پخش می‌کند که از قضا پوریای